

نحوه رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودکان



از نظر اسلام، تحولات دوران کودکی، نقش عمده ای در شکل گیری نگرش های کلی حاکم بر زندگی انسان ایفا می کند.

ریشه های درخت سبک زندگی اسلامی/ نحوه رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودکان خبرگزاری مهر - از نظر اسلام، تحولات دوران کودکی، نقش عمده ای در شکل گیری نگرش های کلی حاکم بر زندگی انسان ایفا می کند. اسلام تکوین، تحول و رشد شخصیت کودک را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده که در این نوشتار هر کدام را به اختصار بررسی می کنیم. الف) تربیت کودک قبل از تولد

اگر بخواهیم انسان های سالم داشته باشیم که هم در بُعد جسمی و هم در بُعد روحی به رشد و کمال لازم برسند، باید قبل از تولد به تربیت آنها توجه کنیم. برخی روایات، وجود اخلاق خوب در انسان را نتیجه تولد او از والدین کریم می داند. اخلاق نیک آدمی در بزرگسالی و در طول زندگی دلیلی بر بزرگواری و اصالت خانوادگی، اوست. اصالت خانوادگی، سبک زندگی فرد را تحت تأثیر خود دارد.

پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا خون اتر دارد.» در اینجا منظور از خون، می توان ویژگی ها و صفات شخصیتی باشد که از طریق ژن ها به فرزند منتقل می شود. همچنین تمام روایاتی که با عنوان «برای نطفه خود محل مناسبی انتخاب کنید» اشاره به همین حقیقت دارد.

در برخی روایات و زیارات، یکی از نشانه های بزرگواری امامان معصوم(ع) را ولادت آنها از والدین و اجداد کریم و شریف می داند. زیارت وارث خطاب به امام حسین (ع) آمده «گواهی می دهم که شما(قبل از ولادت) همانند نوری در صلب پدران شریف و مادران پاک بودی و از این مسیر نورانی تولد یافتی».

همچنین برای اینکه از نظر جسمانی هم فرزندان سالمی داشته باشیم باید قبل از انعقاد به رحم و جایگاه رشد جنین توجه کنیم. آنچه که در خصوص ازدواج فامیلی در روایات آمده است، اگر چه تعیین کننده قطعی نیست، اما به همین معنا اشاره دارد. رسول خدا (ص) فرمود: «با فامیل نزدیک ازدواج نکنید، زیرا فرزندی که از این راه متولد می شود ضعیف خواهد بود.» و نیز فرمود «از ازدواج فامیلی فاصله بگیرید، تا فرزند ضعیف نداشته باشید».

یکی دیگر از مصادیق توجه به تربیت کودک قبل از ولادت، رعایت آداب اسلامی هنگام انعقاد نطفه است؛ زیرا حالات روحی و روانی والدین هنگام آمیزش، تأثیر بسیاری در ویژگی های جسمانی و روانی کودک دارد. پیامبر(ص) فرمود: «هنگام آمیزش، نام خدا را بر زبان جاری کنید، تا نطفه به وجود آمده از دستبرد شیطان محفوظ بماند».

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت کودک که باید بدان توجه داشت، تأثیری است که غذای والدین بر نطفه یا جنین می گذارد. در حدیثی پیامبر به یکی از یارانش فرمود: «غذای حرام نخور، لباس حرام نپوش و معصیت خدا نکن، زیرا خداوند به شیطان می فرماید: در اموال و فرزندان حرام خواران و گناهکاران شریک شو و به آنها وعده دروغین بده» این آیه و روایت به این واقعیت اشاره دارد که اگر والدین از مال حرام پرهیز نکنند، نگرش ها و سبک زندگی فرزندان آنها در آینده ناصحیح خواهد شد.

غذای مادر نیز بر جسم و روح فرزند اثر دارد. رسول خدا می فرماید: «به زنان باردار از میوه "به" بدهید؛ زیرا اخلاق فرزندان را نیکو می گرداند.» همچنین به زنان باردار در ماه آخر بارداری، رطب بدهید تا فرزندش بردبار و پاک سیرت شود و نیز برای تیز هوش شدن کودکان فرمود: «به زنان باردارتان گندُر بدهید؛ چرا که عقل و هوش کودک را افزایش می دهد».

به طور کلی، از دیدگاه اسلام اگر بخواهیم صفاتی چون اخلاق نیکو، حلم و بردباری، هوشمندی و زیرکی، پاکی و صفای باطن، سلامت روانی، سلامت جسمانی و زیبایی را در فرزندانمان ایجاد کنیم، باید قبل از آنکه آنها متولد شوند، اقدامات لازم را انجام دهیم. هریک از صفات یادشده که منشأ به وجود آمدن نگرش های کلی حاکم بر سبک زندگی فرد است، ریشه در خانواده و ویژگی های ارثی دارد.

ب) توجه به نیازهای کودک در ماه های نخست

سلامت جسم و روان کودک، در گروی ارضای نیازهای عاطفی و بهداشتی و تغذیه کودک است. این سلامت به عنوان یکی از ریشه های درخت زندگی، در به وجود آمدن نگرش های کلی کودک به زندگی نقش اساسی دارد.

نخستین نیازی که نوزاد پس از تولد بروز می دهد، نیاز به غذاست. از دیدگاه اسلام شیر مادر که کامل ترین غذا برای رشد کودک و تقویت بافت های بدن اوست، علاوه بر برطرف کردن نیاز جسمانی کودک نیازهای عاطفی او را نیز از طریق جای گرفتن در آغوش گرم مادر ارضا می کند و جسم سالم تری دارد و هم از رشد روانی کامل تری برخوردار می شود.

اهمیت موضوع از نظر اسلام به حدی است که قرآن در آیات فراوانی به آن پرداخته است. شیردادن مادر به کودک را به صراحت و تفصیل بیان می کند و مدت شیر دادن را دو سال کامل می داند و این مسئولیت را، هم به عهده مادر و هم پدر قرار می دهد. این مطلب در دیگر آیات نیز بیان شده است. درباره طلاق زن باردار تأکید می کند که جدایی زن و شوهر نباید هیچ آسیبی به شیر خوردن نوزاد وارد کند. علامه طباطبایی در تفسیر این بخش از آیه شریفه می گوید: درباره فرزند خود مشورت کنید تا به نحوی پسندیده و عادی به توافق برسید، به طوری که هیچ یک از شما و فرزندان متضرر نشوید، نه مرد با دادن اجرت زیادتر و نه زن با کمتر گرفتن و نه فرزند با کمتر از دو سال شیر خوردن متضرر گردد. بعد می فرماید: اگر نتوانستید درباره شیر دادن کودک به توافق برسید، دایه ای برای کودک در نظر بگیرید تا قبل از آنکه کودک گرسنه شود آن دایه به او شیر دهد.

روایات نیز ضمن تأکید بر دو سال، مدت شیر دادن به کودک را دست کم 12 ماه می دانند و از سوی دیگر شیر هر زنی را برای کودک مناسب نمی شمردند و برای شیر علاوه بر آثار جسمانی، آثار روحی و روانی هم قائل است.

اگر دوران شیر دهی کمتر از 21 ماه شود، بر کودک شتم شده است. برای شیر دادن (به کودک خود) زن مناسبی انتخاب کنید، چنان که باید برای ازدواج همسر مناسبی انتخاب می کنید، زیرا شیر، طبیعت انسان را تغییر می دهد. شیر مادر علاوه بر جنبه غذایی، در تحول طبیعت و شخصیت کودک و در نتیجه در شکل گیری سبک زندگی وی نیز مؤثر خواهد بود. برای شیردادن به فرزند بهتر است زن زیبا روی انتخاب شود و از زن زشت و نیز زن کم خرد دوری شود؛ زیرا کودک در حماقت و کم خردی مانند آن زن می شود.

متون دینی به طور کلی دو نکته به ما می آموزند: نخست اینکه توجه به سلامتی کودک چه از نظر جسمی و چه روانی، در شکل گیری و تحول شخصیت او مؤثر است و یکی از شرایط مهم تربیت سالم محسوب می شود. دوم اینکه دوران نوزادی و شیر خوارگی سهم مهمی در تربیت کودک و شکل گیری شخصیت او دارد. داستان حضرت موسی(ع) نیز اهمیت و جایگاه دوران شیر خوردن کودک را نشان می دهد.

سخن گفتن از شیر دادن مادر در آن موقعیت بحرانی و خطرناک که هر لحظه امکان نابودی موسی وجود دارد، نشانه اهمیت این موضوع از نظر قرآن است. همچنین در آیات بعد می فرماید: [#171](#)؛ ما قبل از آنکه موسی به مادرش برگردد پستان زنان شیر ده را بر او حرام کردیم (تا از هیچ زنی جز مادرش شیر نخورد).

علامه طباطبایی می گوید: [#171](#)؛ منظور از حرمت در این آیه حرمت تکوینی است، یعنی کاری کردیم که موسی از خوردن شیر زنان دیگر(زنان کافر و ستمگر دربار فرعون) امتناع ورزد؛ [#171](#)؛

مدت زمان زیادی طول کشید تا موسی دوباره به نزد مادرش برگشت، با این حال، خداوند گرسنگی موسی را بر خوردن شیر زنان نالایق ترجیح داد. خداوند اجازه نمی دهد شخصیت موسی از این ناحیه آسیب ببیند.

(ج) توجه عاطفی به فرزند در همه دوران زندگی، به ویژه در زمان کودکی

در اسلام تأکید فراوانی به توجه عاطفی والدین نسبت به فرزندان شده است. در این خصوص توجه عاطفی به کودک از جایگاه خاصی برخوردار است. روایاتی که به این مطلب پرداخته اند به چند دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: روایاتی که به طور مطلق افراد را به محبت کردن به فرزندان و کودکان امر می کنند. خداوند به طور حتم به بنده ای که فرزندش را شدیداً دوست دارد، رحم می کند. پیامبر(ص) می فرماید: کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید هنگامی که آنها وعده ای می دهید به وعده خود وفا کنید؛ زیرا آنها شما را رزاق خود می دانند.

امام صادق(ع) فرمود: خداوند خطاب به حضرت موسی می فرماید: [#171](#)؛ دوست داشتن کودکان از بهترین اعمال است، چون من فطرت آنها را بر توحید و یگانگی در پرستش خود قرار دادم، اگر آنها را بمیرانم، آنها را وارد بهشت می کنم؛ [#171](#)؛ پیامبر نیز فرمود: [#171](#)؛ هرکس مایه رضایت و خشنودی کودک خردسالی از نسل خود را فراهم آورد خداوند روز قیامت او را آن قدر خشنود سازد تا او کاملاً راضی شود؛ [#171](#)؛

دسته دوم، روایاتی است که والدین را به بوسیدن کودک تشویق می کند: در میان روایاتی که مربوط به حقوق فرزندان می شود، بوسیدن و نوازش فرزند بسیار سفارش شده است؛ چون نباید محبت به فرزند فقط در قلب بماند، بلکه لازم است در رفتار والدین هم آشکار شود. هر کس فرزندش را ببوسد، حسنه ای برایش نوشته می شود و هرکس فرزندش را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد می کند. همچنین پیامبر(ص) درباره مردی که گفت من هرگز طفلی را نبوسیده ام فرمود: [#171](#)؛ این مردی است که در نظر من اهل جهنم است؛ [raquo](#).

دسته سوم، روایاتی که یک قاعده کلی برای تربیت کودک ارائه می دهد. بعضی از این روایات دوران زندگی فرزندان را به سه بخش کرده اند. دوره اول که تا 7 سالگی است، دوره آزادی و سیادت و جست و خیز کودکان است. دوره دوم که از 7 تا 14 سالگی است دوره محدودیت، تحت برنامه بودن و آموزش و تربیت کودکان است و دوره سوم که از 14 تا 21 سالگی است دوره بهره برداری از نتایج دو دوره و درواقع دوره تثبیت آموخته های کودک و شخصیت کودک به حساب می آید.

در این دسته از روایات به والدین دستور داده شده که رفتارشان با کودک زیر 7 سال طوری باشد که کودک احساس بزرگی و احترام و تسلیم بودن در برابر خواسته هایش همراه با عطف و مهربانی را حس کند و از نظر محبت و عاطفه کاملاً ارضا شود. حتی اگر والدین بخواهند او را از کاری که به ضرر اوست بازدارند، باید سیادت و احترام او را نادیده نگیرند. بنابراین، از این روایات به یک قاعده کلی می توان رسید که از 7 سال اول عمر کودک که مهم ترین زمان برای تحول و رشد شخصیت اوست، نباید غفلت شود و در این دوره کودک شدیداً به توجه عاطفی و محبت آمیز نیاز دارد. برخی از روایات این دوره را دوره بازی و شادی کودک نامگذاری کرده اند. امام صادق(ع) فرمود: [#171](#)؛ اجازه بده کودک 7 سال بازی کند [raquo](#)؛ منظور این است که به کودک زیر 7 سال سختگیری نکن، برخورد جدی نداشته باش و در قالب بازی با او رفتار کن. اما در 7 سال دوم برعکس است؛ یعنی با کودک برخورد جدی می شود و از او خواسته می شود که رفتاری مطابق خواسته والدین انجام دهد.

دسته چهارم، روایاتی که به بیان و تشریح شیوه های رفتاری اولیای دین با کودکان پرداخته اند. از این شیوه ها می توان فهمید که میزان محبت و عاطفه به کودکان تا چه پایه است و مصادیق رفتاری عاطفی با کودک چیست. در برخی احادیث آمده که عادت مردم بر این بود که وقتی صاحب فرزندی می شدند نزد پیامبر می آوردند تا برایش دعا کند و اسمی بگذارد بارها اتفاق می افتاد که کودک روی پای ایشان ادرار می کرد. کسانی که بول کردن کودک، او را می دیدند، فریاد می کشیدند اما پیامبر(ص) می فرمود: [#171](#)؛ بول کردن او را قطع نکنید [raquo](#)؛ پس کودک را رها می کرد تا ادرار او تمام شود و در این مدت اصلاً اظهار ناراحتی نمی کرد. فقط پس از اینکه آنان می رفتند لباسش را می شست.

بدیهی است اگر کودکان آن گونه که در متون دینی آمده در آغازین دوران عمر خود از نظر محبت و توجه عاطفی ارضا شوند، این کار، هم در سلامت روح و روان آنها و هم در به وجود آمدن نگرش های مثبت و کلی حاکم بر سبک زندگی مؤثر خواهد بود.